

بسم الله الرحمن الرحيم

يا مقلب القلوب والابصار
يا مدبر اليل و النهار
يا محول الحول و الاحوال
حول حالنا الى احسن الحال

جشن نوروز؛ حرام يا حلال!؟



پژوهش و نگارش: استاد نورآغا عظیمی

۲۷ حوت ۱۳۹۷

مقدمه :

عزیزانی که زبان تحریم بر سال نو و نوروز بر می افروزند، باید آگاهانه باندیشند و بخردانه سخن بر زبان بیرانند. تحریم کردن یک مسأله یا مؤلفه یا پدیده کاریست بسا دشوار و اگر از روی قصد و عمد باشد، گناهیست نابخشودنی! خداوند انسان را برای شناختن خلقتش، ادراک طبیعتش، اثبات قدرتش، بیداری ذهنیتش، معرفت کبریتش، شناخت بهشت و دوزخش، تشخیص زشتی و بدی، تمییزدادن حق از باطل، و در کل برای جهان بینی آگانه و بر اساس منطق و خرد بشری، آفریده است.

سال نو یا جشن نوروزی، از باستان زمانه ها در محراق توجه نوروزباوران و نوروز اندیشان بوده و از آن تجلیل و تبجیل نموده اند. آنان این روز را به عنوان بزرگداشت از قدرت الهی و بینش جهانی، تجلیل می کنند. یعنی در این روز طبیعت جامه سبز برتن می کند، فصل سرما جایگاه خود را به فصل گرما می دهد. فصل نوروز در حقیقت، فصل آمیزش و تولد طبیعت الهی است. روز نوروز همانا زمان ژرف اندیشی نسبت به آفرینش خداوند تبارک و تعالی است. در این فصل، تمام مخلوقات عالم به شادی برخاسته و خدا را نیایش و ستایش می کنند که روزنه های امید و آرزو برای روزیشان سر بیرون می کشد. بدون شک، فصل بهار برای انسان شادی و تفریح می بخشد، زیرا که همه جا بوی طراوت و نشاط گل‌های طبیعت بر مشام می رسد. طبیعت زندگی دوباره دریافت می کند. و نیز، در همین فصل است که انسان به باوری زنده شدن بعد از مرگ نائل می آید و شکش به یقین مبدل می گردد. مازاد بر آن، نوروز مبین و ثابت کننده تعادل و توازن شب و روز است. خلاصه، فصل بهار یا نوروز چنانچه از نامش پیداست، سراسر رمز و رازهای خلقت پروردگار است و نشانه ای از نشانه های خلقت الهی برای درک حیات و ممات و شناخت جهان آفرینش آن ذات لایزال است.

و اما در پیوند به حرام بودن تبریک گفتن سال نو یا روز نو باید چنین نگاشت که، برخی عالمان دینی بدون این که خود را در مسائل دینی و فرهنگی متبحر بسازند و به شاخصه ها و مؤلفه ها و ارزش های بشری باندیشند و آنها را مورد بازپژوهی و ژرف اندیشی قرار بدهند، متأسفانه که حکم تحریم آنها را صادر کرده و به آسانی و بدون در

نظر داشت پس لرزه های آن، فتوا می دهند. یکی از مؤلفه هایی که قربانی فتاوی این عالمان، به قول معروف نیمچه ملاحان، شده است، همانا نوروز و سال نو است. ایشان بدون اینکه کدام استدلال دینی در راستای تحریم و بدعت شمردن تبریک گفتن در این روز را بیاورند، هی از دل و منطق خود همه ساله انجمن کرده و تحت قطعه نامه ای آن را باطل و عاقل می پندارند. باید گفت که برای فتوا صادر کردن و تحریم کردن یک چیز یا پدیده دینی، باید از قرآن کریم و احادیث نبی(ص) و روایات صحیحه از راویان صالحه و صادقۀ دینی استعانت جست. در غیر آن، با بحث های عقلانی و خودکامانه و خویشتن محوری، ره به جایی نمی برد و دردی را مرهم نمی گذارد. باید عمیقاً اندیشه کرد که کشورها و تبارهایی که سال نو خورشیدی را تجلیل می کنند و برای شادی و تفریح به مکانهای سرسبز و خرم رخت می بندند، هیچگاهی خلاف دین مقدس اسلام نبوده، نیست و نخواهد بود. این فرهنگ دیرینه مردم پارسی زبان و آریائیان است که از باستان زمانه ها به میراث مانده است. خداوند انسان را آزاد آفریده و طبیعت را در خدمتش قرار داده تا بر وفق عقل و خردش زندگی بکند و از نعمات الهی بهره مند شود. هر انسان و گروهی در مکانی که زاده می شود، دارای یک عنعنۀ و فرهنگ و سنتی است که از آبا و اجدادش به آن به ارث مانده است که سینه به سینه و نسل به نسل محفوظ می ماند. نوروز نیز یکی از فرهنگ های دیرینه مردم پارسی زبان است که از آن تا پای جان دفاع می کنند. و نیز، اسلام عزیز هیچگاهی مخالف عنعنات و رسوم و فرهنگ دیگران قرار نمی گیرد. و اینکه برخی افراد خود را عالم می شمارند و به قول معروف، با سیاه کردن بینی می خواهند خویشتن را آهنگر جلوه بدهند، به پا خاسته و می خواهند که فرهنگ پنج هزار سالۀ این مرز و بوم را به خاک دفن کنند و مردم را از تجلیل آن ممانعت کنند. نمی دانم این افراد از دانشمندان صدر اسلام و ما بعد آن فهمندکتر هستند یا که از روی تعصب و تبعیض آن را تحریم می کنند. ایشان به جای این که سخن خدا را در روی زمین که همانا اتحاد و یکپارچگی است پیاده کنند و مسلمان و در کل بشریت را بسوی یک پارچگی دعوت کنند و یکدیگر پذیری و کثرت گرایی فرهنگی و دینی را ترویج کنند، زمینه های صلح و آشتی را فراهم بسازند، برعلیه انتحاری و انفجاری تبلیغ کنند، کشتن افراد بی گناه را تحریم کنند، هی دست به تخریب و تخدیش اندیشه ها و فرهنگ و سنت های دیگران حق و ناحق و ناآگانه، می

زنند. بدون اینکه معنی و مفهوم بدعت و حکم بدعت شمردن را درک کنند، می گویند تبریک گفتن در این روز بدعت است. می خواهم در فرجام، سر به گفته ها و روایات علمای اهل تسنن و تشیع در رابطه به نوروز بزنم و ثابت بکنم که حرفهای علمای امروزی چقدر در مغایرت و مخالفت با ایشان قرار دارند.

یکم بار سر می زنیم به گفته امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در ارتباط به سال نو و نوروز: از آن حضرت روایت شده است که: «وَأْتِي عَلِي عَلَيْهِ السَّلَامُ بِهَدِيَةِ النِّيروزِ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا هَذَا؟»

خدمت حضرت امیر (ع) هدیه ای آوردند، حضرت فرمود این چه هدیه ای است؟ پاسخ دادند: «يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ الْيَوْمَ النِّيروزِ»، این هدیه روز نوروز است، حضرت هدیه را پذیرفت و فرمود «اصنعوا لنا كل يوم نيروزا». شما هر روز را برای ما نوروز قرار دهید. (هر روزتان نوروز باد).⁽¹⁾

از این روایت چنین بر می آید که، آن حضرت هیچگونه مخالفت و ممانعتی نسبت به نوروز نداشته، بل گفته است که «هر روزتان نوروز باد.»

و در روایت دیگری آن حضرت علیه السلام فرمود: «اليوم لنا عيد، وغدا لنا عيد، وكل يوم لا نعصي الله فيه فهو لنا عيد»، امروز برای ما عید است و فردا هم عید ما هست و هر روز که خدا را معصیت نکنیم آن روز عید ما است.⁽²⁾

از امام صادق (ع) در این پیوند می شنویم: شیخ طوسی در مصباح از امام صادق (ع) نقل کرده که حضرت به معلی بن خنیس فرمودند: «إِذَا كَانَ يَوْمَ النِّيروزِ فَاغْتَسَلْ وَالْبَسْ أَنْظِفْ ثِيَابَكَ، وَ تَطَيَّبْ بِأَطْيَبِ طَيِّبِكَ، وَ تَكُونَ ذَلِكَ الْيَوْمَ صَائِمًا»، روز نوروز غسل کن و پاکیزه ترین لباس را بپوش و خود را خوشبو نما و این روز را روزه بگیر و بعد از نماز ظهر و عصر چهار رکعت نماز (با آداب خاصی) بجای آور و دعا کن «يَغْفِرُ لَكَ ذُنُوبَ خَمْسِينَ سَنَةً». خداوند گناه پنجاه سال تو را می آمرزد.⁽³⁾

ابن فهد حلی در مذهب نقل کرده که امام صادق (ع) به معلی بن خنیس فرمود: «إِنَّ يَوْمَ النِّيروزِ هُوَ الْيَوْمَ الَّذِي

أخذ فيه النبي (صلى الله عليه وآله) لأمير المؤمنين (عليه السلام) العهود بخديرة خم فأقروا له بالولاية، فطوبى لمن ثبت عليها، والويل لمن نكثها»، روز نوروز همان روزی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در غدیر خم، از مردم نسبت به امیر مؤمنان (ع) عهد و پیمان گرفت. و در این روز با ولایت علی (ع) تجدید پیمان نمایند، خوشا به حال کسی که در ولایت علی (ع) ثابت قدم بماند و وای به حال کسی که پیمان شکنی کند.

و حضرت در ادامه فرمود: «وما من يوم نيروز إلا ونحن نتوقع فيه الفرج، لأنه من أيامنا حفظه الفرس وضيعتموه»، ما در روز نوروز انتظار فرج داریم، زیرا آن روز از روزهای ویژه ما اهل بیت است که شما آن را ضایع کردید، ولی فارسها آن را حفظ کردند.⁽⁴⁾

از روایات فوق معلوم می شود که اهل بیت (ع) نه تنها مخالف روز نو و نوروز نبوده اند، بلکه از آن به نیکی یاد کرده و هرگز فتوای تحریم و بدعت بودن آن را نداده اند.

علامه سید جعفر مرتضی می نویسد: «اهل سنت روز نوروز را گرامی می داشتند و به همدیگر هدایا می فرستادند، خلیفه اسلامی متوکل عباسی، در بغداد، چیزهای ساخته شده از عنبر و گلهای مخصوصی میان مردم توزیع می کرد.»⁽⁵⁾ «وقیل إنّه أول من أخرج النيروز رفقا بأهل الخراج»، گفته اند که ایشان اولین کسی بود که روز عید نوروز را به خاطر مدارا با اقلیتهای مذهبی، به تأخیر انداخت.⁽⁶⁾

و مادر مقتدر عباسی این روز را گرامی می داشت.⁽⁷⁾

و ائمه این روز را گرامی می داشت.⁽⁸⁾

و منصور دوانیقی نیز به این روز اهمیت می داد. و اول کسی که روز نوروز را گرامی داشت و عید باستانی اعلام کرد، حجاج بن یوسف ثقفی بود.⁽⁹⁾

دکتر صالح وردانی از علمای مصر می نویسد: «وكان الفاطميون بالإضافة إلى ذلك يحتفلون بعيد النيروز ويوزعون فيه أصناف الحلوى.»، در زمان حکومت فاطمیان،

عید نوروز را جشن می‌گرفتند و انواع شیرینی جات در این روز توزیع می‌کردند.⁽¹⁰⁾

«تمام این کارها توسط خلفای اسلامی در سه قرن آغازین اسلام، انجام می‌گرفت و هیچ یک از علمای بزرگ اعتراض نمی‌کردند.»

حالا پرسش این جاست که، آیا این علمایی که در عصر امروزی فتوای تحریم و بدعت این روز را صادر می‌کنند از امام علی (علیه السلام)، آن کسی که حضرت محمد مصطفی (ص) در باره علمیت او فرموده است: «من شهر علم هستم و علی درواز آن و هرکه می‌خواهد وارد شهر شود، باید از راه درواز وارد شود.»؛ داناتر و عالم تر هستند؟ آیا حضرت علی کرم الله وجهه که تأویل کننده قرآن و صاحب تأویل آن است، نمی‌دانست که تبریک گفتن در چنین روزی بدعت و کفر است؟ آیا خلفای فاطمی (ع) که از نسل علی مرتضی و بطن فاطمه زهرا (ع) بودند، از این نیمچه ملاحان و عالمان بی علم امروزی عالمتر و دانشمندتر نبودند تا این روز را تحریم می‌کردند و طرفداران آن را تکفیر؟ آیا خلفای اهل تسنن قرن‌ها پیش این امر را نمی‌دانستند که حرام هست و یا حلال؟ آیا قرآن کریم و دین مبین اسلام در قرن بیست و یکم بروز و ظهور کرد؟ آیا چهارده قرن پیش علما و دانشمندان نمی‌دانستند که تبریک و تهنیت گفتن و تجلیل روزهای خاص حرام است؟ آیا خداوند دین را تکمیل نکرد که ایشان در عصر بیست و یکم برخاسته و می‌خواهند که آن را تکمیل کنند؟ خلاصه صد ها پرسش دیگر...

نتیجه گیری:

من شخصاً به این برآیند آمدم که، علمای امروزی جهان اسلام بدبختانه که بدون تفکر و تعمق دینی یکسری مسائل و فرهنگها و عقاید و عنعنات و رسوم و سنت و آئینها و غیره مردم و گروه های گوناگون را حرام شمرده و تبعیت از آن را بدعت می دانند و حتی بدون استدلال و استناد موجه و موثق ایشان را تکفیر نموده و معاذ الله، مشرک می پندارند. باید گفت که ایشان دست نشان ده یک گروه مغرض و متعصب هستند و می خواهند که اسلام مقدس را سپر ساخته و برای بدنامی و بدکامی و زشت شماری و بدعت پنداری سنت ها و فرهنگهای دیگران پاچه تا به زانو برزده اند که این خود در حقیقت بدور از حقوق زیست جامعه مدنی بوده و برضد جهان بینی دینی می باشد. این چنین افراد و اشخاص، می خواهند که اسلام را به عنوان یک دین خشونت خواه، برضد پیشرفت و ترقی، برضد احترام به فرهنگهای دیگران، برضد صلح و ثبات و غیره معرفی نمایند. در دین هیچگونه اکراه و اجبار نیست. بنابر این، تجلیل از سال نو و به تفرجگاه ها و میله گاه ها رفتن و شادی و تفریح کردن حق مسلم و مدنی هر فرد بوده و هیچ کسی بر اساس سلیق و علایق شخصی نمی تواند که دست به تحریم و تکفیر بزند و مردم آزاد منش و ژرف اندیش را در راستای بزرگداشت از روزهای ملی و جشن های خاص و فرهنگی باستانی شان منع کند. و هر کسی که از گفته های چنین افراد پیروی می کند، خودش نیز اسیر دام ایشان بوده و از زمره آنان برشمرده خواهد شد.

هر روزتان نوروز، نوروزتان پیروز.

سرچشمه ها :

1. من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 300، ح 4073.
2. مستدرک الوسائل، ج 6، ص 154، ح 6679.
3. وسائل الشيعة (آل البيت)، ج 8، ص 172 - 173، ح 10338، مصباح المتهدد : 790.
4. المهدب: 194، وسائل الشيعة (آل البيت)، ج 8، ص 173، ح 10339، والبحار 59 : 119.
5. الديارات / ص 57، وراجع ص 39 / 40 ونشوار المحاضرات / ج 8 / ص 246 والعامه في بغداد / ص 253 / 254 عنهما وعن عجائب المخلوقات / ص 121 وعن صبح الأعشى / ج 2 / ص 420.
6. محاضرة الأوائل / ص 142.
7. نشوار المحاضرات / ج 1 / ص 293، وراجع : المستطرف / ج 2 / ص 52.
8. الأغاني / ج 19 / ص 230.
9. الأوائل / ج 2 / ص 34.
10. الشيعة في مصر، ص 34.
11. المواسم والمراسم، ص 99.